

## تاریخ نگاری بدیل

### اندر افاضات میلانیستی

ر. رخشانی

اخیرا آقای عباس میلانی کلیپ ویدیویی جدیدی از خود بیرون داده است که در آن مدعی می‌شود که اصلا انقلاب ایران بر علیه رضا شاه بوده است، و نه بر علیه نظام پهلوی یا محمدرضا شاه<sup>1</sup>.

#### پیش گفتار

در بیشتر متون و اسنادی که پیرامون رضا خان/ رضا شاه تاکنون بدست ما رسیده اشاره به کم سوادی (یا حتی بی سوادی) وی بوده است. در اکثر موارد ما امروز می‌دانیم که او تحصیلات عالی نداشته و جز مدرسه نظام، آموزشی سیستماتیک نداشته است و مسلما تاریخ نگار، پژوهشگر و کارشناس نبوده است.

از زمانی که وی سردار سپه می‌شود، منشی و دبیری ادیب و فرهیخته، بنام فرج بهرامی، داشته که مسنولیت مکاتبات، یادداشت ها، سفرنامه‌ها و مراسلات بر عهده ی وی می‌بوده است. در سال ۱۳۵۰، دربار پهلوی تصمیم به انتشار دو سفرنامه (ب قلم فرج بهرامی) می‌گیرد تا آن را بنام رضا خان/ رضا شاه بچاپ رسانند. نسخه اصلی دستنوشته‌های این دو سفرنامه در دسترس نیست و نوشته اندک شاید در کتابخانه مجلس شورا موجود باشد<sup>2</sup>. نام این دو، "سفرنامه خوزستان" و "سفرنامه مازندران" می‌باشد.

#### تحریف تاریخ و بازاریابی برای فروش کتابی جدید

ویدیوی جدید جناب میلانی را بسادگی می‌توان نمونه بارزی از تاریخ سازی بدیل و تلاشی چشم گیر در بازاریابی کتاب در دست تهیه ارزیابی کرد. در این ویدیو، ایشان انقلاب ایران را بدلیل شعار "رضا شاه، روح ات شاد"، انقلابی بر علیه رضا شاه ارزیابی می‌کند، و نه بر علیه محمد رضا پهلوی یا نظام پهلوی. همچنین جنبش انقلابی مردم ایران و خواسته‌هایشان نیز، که در شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" مطرح بود، در این ویدیو، به خواسته‌های انقلابی آخوندیسم بر علیه رضا شاه تقلیل داده می‌شود.

ایشان همچنین مدعی است که "واضح است این دو کتاب کار رضا خان/ رضا شاه بوده اند و نه نوشته آقای فرج بهرامی!" حال از کجا واضح است، معلوم نیست؟ ایشان با چنین پیش فرضی مدعی است که "این دو کتاب، از نظر نگاه رضا خان/ رضا شاه به مساله تجدد در ایران، "درخشان هستند!" و حال چرا؟ و با چه نوع ارزیابی؟ البته معلوم نیست جز با هدف جناب میلانی در اشاعه نوعی فرد ستایی/ کیش شخصیت سازی و فرد پرستی.

نکته اساسی در نونگری، نوگرایی و نو اندیشی (مدرنیسم<sup>3</sup>)، و مهمترین شاخصه آن، اجتناب از کیش شخصیت و توجه به اجتماع و مسلما توجه به نقش اندیشمندان در تحولات هر جامعه (در هر مقطع تاریخ مدرن) می‌باشد<sup>4</sup>، اما برای جناب میلانی همه دستاوردها به شخص رضا خان/ رضا شاه خلاصه می‌شود. اگر چنین برداشت، تفسیر و رویکردی، تجددسنیزی نیست، پس چیست؟

جناب میلانی پس گرفتن اوقاف از آخوندها را کاملا دستاورد رضا شاه می‌پندارد. ایشان شکل گیری دادگستری را (از عدلیه کهن) که از دوره احمد شاه توسط اندیشمندان بزرگ پس از مشروطیت (بویژه افرادی از جمله زنده یاد داور و دیگران) شروع شده بود، پس گرفتن زوری قوه قضاییه از آخوندها توسط رضا شاه وانمود می‌کند. جناب میلانی کشف حجاب زورگویانه رضا شاهی را (که تبعات پاندولی آن که حجاب اجباری آخوندی است و مردم ایران دیده اند) به عنوان امری مثبت ارزیابی می‌کند. تمام تلاش‌های

1

البته در اینکه این مصاحبه در واقع بازاریابی برای کتاب جدید رضا شاه اوست شکی نیست

2

ر.ک. ب. م. ع. سپانلو در نقد آگاه شماره ۷ پیرامون معرفی سفرنامه نویسی و سفرنامه ابراهیم بیگ

3

در نقد مقوله التقاطی "تجدد" در کتاب زیر نوشته‌ام که درست تر است مدرنیسم را، نو گرایی، نو نگری و نو اندیشی ترجمه کنیم، در صورتی که واژگان درست تر برای مدرنیته، نو سازی و نو آفرینی هستند

4

اندیشمندان و اجتماعی که از صدر مشروطیت برای ساختن نظام آموزشی مدرن انجام شده بود را، جناب میلانی در این ویدیو، به کار رضا شاه تقلیل می‌دهد!

دیگر نکته که در مورد محمد رضا پهلوی بسیار نوشته اند اینکه، او اغلب فردی خود بزرگ بین، خرافی و مذهبی بود، اما اینکه از چنین خصوصیتی چنین نتیجه گیری شود که پس انقلاب ایران، نه بر علیه او و نظام پهلوی بلکه بر علیه رضا شاه بود، چیزی جز تقلیل گرایی برای اهدافی دیگر (تحریف تاریخ و بازاریابی برای فروش کتابی جدید)، بیش نیست.

### پروژه بزرگ نمایی

دربار پهلوی مسئولیت ویراستاری دو سفرنامه را به عهده اسدالله علم و هوشنگ انصاری می‌گذارد تا آنها را بنام رضا خان/ رضا شاه بچاپ برسانند. اسدالله علم و هوشنگ انصاری نیز چنین می‌کنند و بخش‌هایی از یادداشت‌ها را (در مورد دهات ایران حذف می‌کنند). جناب میلانی می‌گوید "غلط کردید که حذف کردید" چون شما "نه مورخ، نه محقق بوده اید." سپس بدون اینکه آن بخش‌های حذف شده را خود جناب میلانی دیده یا خوانده باشد، ایشان ادعا می‌کند که آنها "مهمترین بخش‌های کتاب بوده اند." حالا بر چه اساسی جناب میلانی چنین ارزیابی می‌کند (بدون دسترسی به آنها) در ادعاهای بعدی مشخص می‌شود.

ایشان سپس می‌فرمایند که "واضح است که سفرنامه‌ها کار رضا خان/ رضا شاه" بوده اند! حالا از کجا واضح است نیز می‌توان استنباط کرد ک بخشی از همان پروژه بزرگ نمایی میلانیست باشد، چون جناب میلانی ادعا می‌کند که "این دو کتاب می‌توانست مانیفست خانواده پهلوی باشد!" جل الخالق. سپس می‌گوید که "اگر ایشان در آن زمان کاره ای بود، می‌گفت این کتاب‌ها در مدارس درس داده شوند!"

ادعا و فردپرستی به آنجا می‌رسد که بنظر جناب میلانی "رضا خان/ رضا شاه اکثر دهات خوزستان و تمام دهات مازندران را می‌شناخته است!" معلوم نیست با کدام سند و مدرک، بدون اینکه خود ایشان آن بخش‌ها را دیده یا خوانده باشد، چنین ادعا و نتیجه گیری ای می‌شود. فعالیت‌های سیاسی میانه ی راه رضا خان (مشروح در سفرنامه)، از تهران به خوزستان را نیز، جناب میلانی به عنوان دانش وی از دهات ایران (!) معرفی می‌کند. گویا از نگاه آقای میلانی، رضا خان (با آن سواد نازل) محقق یا مورخ بوده است، ک البته "علم و انصاری" تحصیلکرده نبوده اند.

بهتر است اشاره کرد که جناب میلانی بواقع استاد تاریخ نگاری بدیل، شخصیت سازی تحریف شده، فرد ستایی و فرد پرستی و مسلما بازاریاب کتاب جدید رضا خانی خود هستند و بس، و این بسادگی یعنی ایشان سمبل تجددستیزی<sup>5</sup> هستند.

در پایان اینکه، شعار "رضا شاه، روح ات شاد" ۳۵ - ۴۰ سال پس از شکست انقلاب و شکل گیری نظام نکبت ولایت فقیه مطرح شد و ربطی به خواست‌های مردمی انقلاب نداشت.

پس از شکست خواست مردم برای استقلال، پس از شکست درخواست مردم برای آزادی، پس از شکست پروژه جمهوری که در آن نظام نکبت (آخوندها و متحدان پاسدار آن) قدرت را دیگر کاملاً در دست گرفته اند و نظام نکبت ولایت فقیه را (که برای سال‌ها خزانده و مارمولک وار پیش برده بودند) تثبیت کرده اند است، که شعار روح ات شاد (که بیشتر مبین نفرت از آخوندیسم بوده است تا ستایش از رضا شاه) در میان مردم مطرح می‌شود. اما برای جناب میلانی مهم نیست چون می‌توان در تاریخ نقب زد.

بالاخره اینکه ویدیوی جدید جناب میلانی مبین و بهترین سند برای آن است که کتاب جدید رضا شاهی ایشان هیچ ارزش پژوهشی نخواهد داشت.